

پرونده سینما

حجت الاسلام غلامرضا یوسف زاده

انقلاب اسلامی در ایران، انقلابی فرهنگی بود که پیش از همه چیز، تحولی عظیم در پایه‌های فرهنگی کشور را دنبال می‌کرد؛ تحولی که به زودی، خود را در بخش‌های سیاسی و اجتماعی نشان داد؛ ولی در بخش هنری، چندان چشمگیر نبود. تحول در بنیادهای تفکر جامعه، لاجرم می‌بایست به بخش هنری نیز کشیده می‌شد و خود را در هنرها، به ویژه هنرهای نمایشی که محل بحث ماست، نشان می‌داد؛ ولی تحول در این بخش، به سادگی رخ نمی‌نمود و رخ نداد.

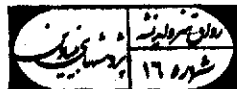
نخستین حرکت‌ها زدودن آثار فرهنگی گذشته و پالودن فضای هنری بود. در نتیجه، ابتذال حاکم بر فضای کشور، به ویژه سینما، رخت بریست و جای خود را به فضایی نسبتاً پاک داد؛ ولی کار به این مقدار، به پایان نرسید؛ زیرا زدودن، به تنهایی کافی نبود، بلکه دادن پیشنهادها، جدید و جایگزین، مسئله‌ای اساسی بود. بر همین اساس، مسئله سینمای دینی مطرح شد و برای آن، همایش‌هایی برپا گردید؛ ولی متأسفانه به جواب مشخصی نرسید. مطرح شدن سینمای

● حجت الاسلام غلام رضا یوسف

زاده

دانش اموخته حوزه علمیه قم (خارج فقه و اصول)

مدیر گروه سینما و دین خانه هنر و اندیشه مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما



مناظره در سال‌های اخیر، تلاش دیگری است برای پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی که در گذشته مطرح بودند؛ بدون اینکه مطرح‌کنندگان این اصطلاح تازه بتوانند توضیحی شفاف دربارهٔ عنوان و مصادیق آن ارائه دهند.

ورود جوانان انقلابی و متدین به عرصه‌های هنری، امیدهایی در دل‌ها برانگیخت که شاید آثار نیروهای مؤمن بتواند راهی نو بگشاید. بسیاری مشکل اساسی را در هنرمند می‌دیدند و تصور می‌کردند هنرمند متعهد هنری متعهد خواهد آفرید. اگرچه ورود نیروهای متدین به عرصه‌های هنری، دستاوردهای بزرگی در پی داشت؛ ولی همهٔ امیدها را پاسخ نداد؛ چرا که برخی از همین نیروها، در فضای هنری کشور حل و گاه استحاله شدند. گروهی دیگر نیز گرچه استحالهٔ هنری نشدند؛ ولی آثار آنان نتوانست راهی نو تعریف کند، بلکه حداکثر آثاری مثال‌زدنی ولی تک‌افتاده و شخصی باقی ماند و جریان‌ساز نگردید.

همچنین فضای کلی و جریان اصلی سینمای کشور و سریال‌های تلویزیونی از سینما و سیمای مطلوب، همچنان دورافتاده باقی ماند. نگاهی هر چند گنراه به مضمون‌های عشقی فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی، شاهد این مدعاست. نه به لحاظ نظری توانستیم مناسب به پرسش‌های اساسی پاسخی دهیم و نه ورود نیروهای انقلابی - مذهبی توانست تحولی شگرف ایجاد کند و هنری در شأن انقلاب اسلامی بیافریند. واقعاً اشکال کار در کجا بود و از چه راهی می‌توانستیم معضل‌ها را از پیش رو برداریم؟

به نظر می‌رسد سرگردانی ما و آزمودن راه‌های گوناگون، ناشی از فراموش کردن مسئله‌ای اساسی است و آن اینکه هنرهایی که امروز در جامعهٔ خود، شاهد آن هستیم، از جمله سینما، محصولی غربی است و زایندهٔ آن تمدن. هنر غربی از جمله هنرهای نمایشی، چون سینما، بر اساس فلسفهٔ هنر غربی بنا شده که خود بر پایهٔ فلسفهٔ آن دیار رشد کرده است. ما نخواهیم توانست هنری ساخته و پرداختهٔ یک اندیشه و فلسفهٔ خاص را گرفته و با تغییر ظواهر، کارکرد آن را تغییر دهیم.

در واقع، هنر غربی نسبت به مبادی فرهنگی و فلسفی خود حکم صورت نسبت به ماده و فرم نسبت به محتوا را دارد. هر محتوایی فرم خاص خود را می‌طلبد. پس با تغییر محتوا، باید فرم نیز متناسب با آن تغییر کند و با پذیرش یک فرم خاص، به ناچار، محتوای آن هم خواهد آمد.

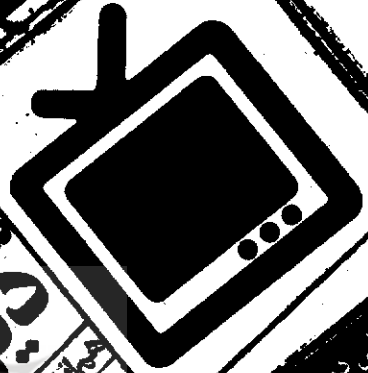
پس بر اساس این به هم پیوستگی میان فرم و محتوا و همبستگی میان این هنرها و مبادی فلسفی و فرهنگی آن و برای دست‌یابی به هنری دینی و ایرانی، ابتدا باید به ترمیم ریشه مسائل بپردازیم؛ یعنی بر اساس تفکر و فرهنگ اسلامی خویش، اعم از عقلی و نقلی، فلسفه هنری نو بسازیم و بر اساس نتایجی که از گزاره‌های کلی آن به دست می‌آوریم، به مسائل کلی و بنیادین پیش روی هر یک از هنرهای مطرح شده، پاسخ دهیم تا با تدوین تئوری‌های کلی، راهی نو تعریف کنیم و آن‌گاه بر اساس آن، دست به آفرینش‌های هنری بزنیم.

پس در یک نتیجه‌گیری کلی، باید به پژوهش‌های بنیادین در هنر روی آوریم. البته این پژوهش‌ها نباید در رویکردی فلسفی محصور شوند، بلکه باید ناظر به عمل باشند؛ یعنی در این پژوهش‌ها، باید مضامین عملی پیش رو را در نظر بگیریم. به طور مشخص، پژوهش در عناوین زیر، می‌تواند بخشی از پژوهش‌های بنیادین را به خود اختصاص دهد:

۱. روی آوردن به ترجمه گسترده متون نظری و بنیادین هنری؛
 ۲. تولید علم و نظریه‌پردازی در مسائل کلی هنر و گذر کردن از مرزهای ترجمه صرف؛
 ۳. پژوهش در فلسفه هنر و بازتولید آن با توجه به متون و منابع دینی؛
 ۴. پژوهش در مسائل کلی هر یک از هنرها، به ویژه هنرهای نمایشی و نسبت آن با دین.
- البته می‌توان اقدامات و عناوین دیگری را هم ذکر کرد؛ ولی باید دانست شرط اساسی در تحقق این ایده، خودباوری و جرأت در دادن نظریه جدید و مقهور نشدن در برابر بت‌های خودساخته غربی است. بدون این مهم، همچنان مصرف‌کننده تفکرات و هنر غربی باقی خواهیم ماند.



زمان برگزاری هم اندیشی
آخرین مهلت ارسال مقالات

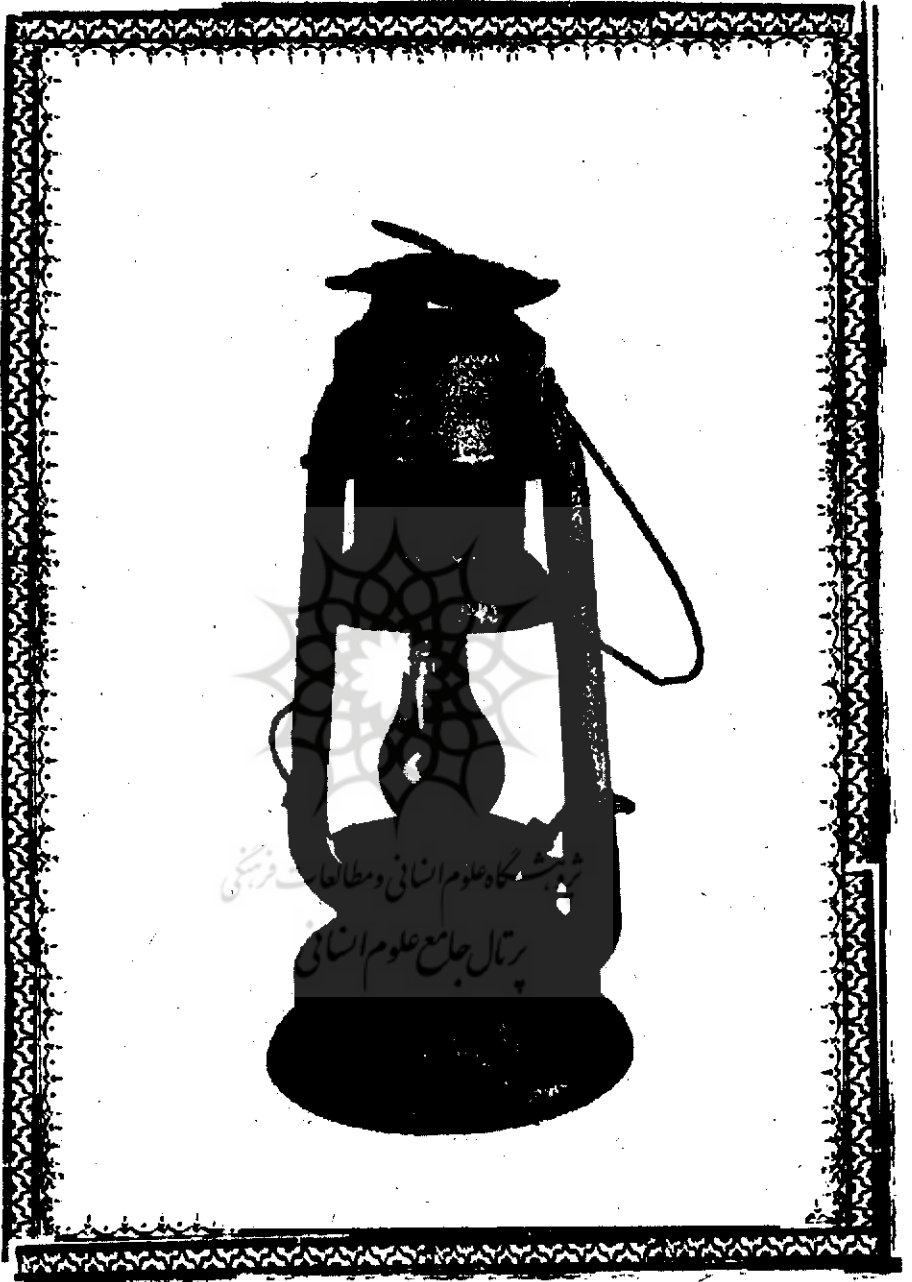


سلسله همایشهای دین و رسانه

هم اندیشی
رسانه فناوری و مکتب دین

تسلی دینر خانه

پیشگاه علم
سال باغ علم
پست کابل و احوال در صفحه ۲۰۴ همین شماره



پیشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی